

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

داکتر سیدخلیل الله هاشمیان

۳۰ جون ۲۰۱۵

نویسنده پرنویس، جناب محترم آقای سدید

هموطن گرامی آقای سیدهاشم سدید در جمله نویسندگان [نویسندگان] خوب شناخته شده وهم پرنویس میباشد - درین اواخر بعد از آنکه همکار پورتال خودشان، جناب آقای استاد معروفی، موضوع تدوین یک فرهنگ دری را به تقلید از (قاموس دری- انگلیسی) تالیف [تالیف] مرحوم استادنگهت پیشنهاد کردند و من آنرا لیبیک گفتم، مثلیکه خدانخواستہ بجان [به جان] سدید صاحب لمبه های آتش شراره کرده باشد، مقاله سرمقاله نوشته و مرا باصطلاح [به اصطلاح] خودشان تحت حملات "کوبنده" قرار دادند. شمه ای ازین حملات و انتقادات را اینک در ذیل اقتباس میکنیم:

در مقاله مورخ [مورخ] ۲۰ جون ۲۰۱۵، بعنوان [به عنوان] "عدم دقت نظری و عملی" آقای سدید ابتدا [ابتداء] در موردیک تبصره من در کلکین نظریابی که نوشته بودم "قاموس نگاری توسط عربها حدود ۸۰۰ سال قبل آغاز شده بود..." و مقصد من در منطقه دری زبانان بود- آقای سدید تفصیلاتی پیرامون قاموس نگاری از ۴۳۰۰ سال قبل توسط سومریها ارائه و مدعی شدند که "این اعراب نبودند که به تدوین قاموس پرداخته باشند بل مردمان غیر عربی که زیر سیطره شاهان عرب یا در قلمرو این شاهان بسر [به سر] میبردند [می بردند]، خالق آن بودند." آقای سدید باساس [به اساس] تبصره فوق هاشمیان را بارتباط [به ارتباط] قاموس نگاری یک شخص بی کفایت و "فاقد دقت نظری و عملی" خوانده و تهمت بستند که مقصد هاشمیان ازین پیشنهاد "خود را در مرکزیت قرار دادن و متباز کردن" است، و علاوه نمودند که "در اینجا قصد نام کشیدن است، نه انجام دادن یک خدمت یا وظیفه ملی و تاریخی..." مقاله مذکور در پورتال (افغانستان آزاد- آزاد افغانستان) به تائید [تائید] مقاله مورخ [مورخ] ۱۹ جون استاد معروفی نشر شده است.

آقای سدید در مقاله هشت صفحه پی مورخ [مورخ] ۲۲ جون خود بعنوان [به عنوان] "پاسخی خدمت جناب محترم قیس کبیر" در حالیکه رخ صحبت او جانب انجنیر صاحب قیس کبیر بود، باز هم بارتباط [به ارتباط] یک اعلامیه چهار سال قبل منتشره در پورتال (آزاد افغانستان- افغانستان آزاد) که هاشمیان از آن هیچ اطلاع نیافته و نداشته، او را مورد انتقاد قرار داده، ازینقرار: "... انتقاد من برین است که چرا و بچه [به چه] دلیل این بزرگان در آنوقت به اهمیت این پروژه پی نبردند، و اگر پی بردند چرا با آقای معروفی و دوستان شان به همکاری حاضر نشدند؟؟ ... گله شخص من از جناب هاشمیان صاحب تنها همینقدر است که چرا ایشان همین تمایل یا علاقه را یاهمین احساس مسئولیت [مسئولیت] را، در آن زمان نشان ندادند؟"

از آنجائیکه جناب داکتر غلام. انصاری در کلکین نظریابی از پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) حمایت کرده بودند، آقای سدید او را شخص "دورویه" خوانده، در حالیکه داکتر انصاری و هاشمیان هیچنوع [هیچ نوع] معرفت یا تماس قبلی نداشته اند- اینست کلمات و جملات آقای سدید در همان مقاله: "... اگر اعتراضی دارم، به دو رویی های مبرهنی دارم که

به وضوح دیده شده است و دیده میشود، و خیلی ها، از جمله جناب دکتر صاحب انصاری، یا آن را نمی بیند [بینند]، یا نمی خواهند آنرا [آن را] ببینند... من میدانم در این میان ریگی در کفش ایشان وجود دارد... "بیچاره دکتر انصاری که او هم مثل من از اعلامیه چهار سال قبل این پورتال خبر نداشته، ولی من حیث یک افغان [افغان] وطن دوست و ملیگرا یک پیشنهاد روی کاغذ را حمایت کرده، آقای سدید این دانشمند موسسید را شخص "دورویه" و "نمی بیند [بیند] یا نمیخواهد [نمی خواهند آن را] ببیند"، یعنی (کم سواد)، مخاطب نموده است.

جناب آقای سید هاشم سدید در مقاله مورخ [مورخ] ۲۴ جون ۲۰۱۵ بعنوان [به عنوان] "دانایی بینایی و بینایی دانایی است" [دانایی بینایی و بینایی دانایی است] باز هم از هاشمیان گله ها دارند و میگویند: "علت تغل جناب هاشمیان از [در] زمانیکه [زمانی که] جناب معروفی صاحب بعد از پیشنهاد من برای کار روی این پروژه فراخوان دادن (دادند)، چه بود؟... بنظر [به نظر] من هیچ دلیل و هیچ عذری در باره این تغل و اعراض یا تحاشی که جناب هاشمیان [هاشمیان] در آن زمان نشان دادند، قابل شنیدن نیست... شکایت من بخاطر [به خاطر] تدوین کتاب لغت نیست، بلکه این است که جناب هاشمیان [صاحب] در آن زمان برای انجام این کار مهم و ضروری پاپیش نگذاشتند؟..."

از عنوان مقاله فوق که جناب آقای سدید خود را تلویحاً [تلویحاً] "دانا و بینا" تشخیص داده و "دانایی و بینایی" را بدیگران [به دیگران] می آموزند، دوسه مثال بعرض [به عرض] میرسانم: شخصی نوشته بود که آقای سدید از کلمات ایرانی بسیار کار میگیرد. آقای سدید ضمن دو صفحه توضیحات، هر صفحه حدود ۴۰ سطر، ادعای مذکور را با کلمات ذیل رد نموده: "چقدر خجالت آور است این کارهای کودکان انسان های مریض و عقده گوی [عقده ئی] و ریاکار و متملق و بی شخصیت... و اضافه کردند که دلیل اینکه من بایسکل را دوچرخه میگویم اینست که معنی بایسکل دوچرخه است، دیگر اینکه دوچرخه کلمه [کلمه] فارسی است و بایسکل یک کلمه انگلیسی.

شخص دیگری در یک مقاله کلمه "قدس" را نوشته بود، و بدون آنکه درباره این کلمه استیضاح کرده باشد، آقای سدید درباره کلمه قدس و شهر قدس و مسجد اقصی چهار سطر توضیحات داده بود.

در پورتال افغان - جرمن آنلین یک مقاله را برای چند روز در ستون "برگزیده ها" جا داده بودند، چون آقای سدید نویسنده آن مقاله را خوش نداشت، یک مقاله سه صفحه ای، هر صفحه حدود ۴۰ سطر، برسم [به رسم] انتقاد بالای روش پورتال مذکور نوشت و هدایت داد که چه نوع مقالات باید در ستون برگزیده ها گذاشته شود. از پنجاست که من در عنوان این مقاله جناب آقای سدید را "پرنویس" خوانده ام. علاوه بر آن از بابت تشویش شدید و عجیبی که از بابت پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) در وجودشان، همانند شعله های آتش، پدید آمده، این تصور بمن [به من] رخ داده که مبدا جناب سدید صاحب خدانا خواسته بکدام [به کدام] تکلیف روحی و روانی دچار نباشند، زیرا:

حدود چهار سال قبل جناب آقای سید هاشم سدید پیشنهادی به پورتال (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) در باب تدوین (فرهنگ زبان دری) تقدیم نمودند و جناب استاد خلیل الله معروفی مهرتائید [تائید] بر آن پیشنهاد گذاشته آنرا ضمن اعلامیه بی [اعلامیه ای] برای مدت شش ماه پیهم نشر کردند و نتیجه آنرا اینک از قلم استاد معروفی در مقاله مورخ [مورخ] ۱۹ جون شان بخوانید:

"این اعلامیه ششماه تخت- شب و روز- بر طاق جبین پورتال ماجلوه نمائی میکرد... مکرر یاددهانی میکنم که با تاسف [تأسف] انعکاس بیرونی بدین موضوع مهم و مبرم، خیلی یاس [یأس] آور بود و پورتال را چنان مایوس [مایوس] ساخت و تنها گذاشت که نتوانست موضوع را یکه و تنها دنبال نماید!!!!... اعلامیه ۶۴ پورتال... که ۶ ماه تخت بر تارک پورتال "حی علی الفلاح" و "حی علی الصلاح" میگفت، و به مانند "آذان ملای غریب" کسی جهت ادای چنین یک نماز واجبی و فرض عینی و "فرهنگی- وطنی" حاضر به اقتدا [اقتداء] نگریدید..."

جناب استاد معروفی با تمام دانشمندان افغان که لازم دانستند، منجمله جناب استاد محمداسحق نگارگر، تماس گرفته، در پروژه پیشنهادی شان دعوت بهمکاری [به همکاری] نمودند. جناب استاد معروفی در مقاله مورخ [مورخ] ۱۹ جون ۲۰۱۵ خود نتیجه دوبر صحت تلفونی خود را با جناب استاد نگارگر چنین گزارش داده اند که نگارگر گفت:

"" شاید در زمینه رهنمایی [رهنمایی] بکنم، مگر از من توقع نکنید که با این کانون همکاری نمایم.""

در جمله بالا از استاد نگارگر، کلمه "کانون" بیانگر این واقعیت است که گویا ایشان نمیخواهند (با این پورتال همکاری کنند)، زیرا جناب استاد نگارگر یک مسلمان متصوف است و نمیتواند با پورتالی همکاری کند که پیرویک ایدیالوژی ضد اسلامی میباشد. ودلیل اینکه در مدت ششماه هیچ کس به آذان ملای غریب جواب نداد، چیز دیگری غیر از این بوده نمیتواند که افغانهای مسلمان این "ملا" را یک ملای غیرمسلمان پیرو ایدیالوژی "ماهوئیزم" [ماهوئیزم] تشخیص داده بودند.

جناب استاد معروفی در همان مقاله علاوه کردند که "" شاید مصروفیت های بی اندازه و بی حد و حصر آقای نگارگر با صوفیگری و خانقاه بازی [خانقاه بازی] و "هل و هل زدن" در حدی بوده است که حیف میدانست [می دانستند] وقت گرامی خود را صرف کارهای خشره نمایند... "" (من هاشمیان) جناب استاد نگارگر از قدیم میشناسم، ایشان مدتی استاد پوهنتون کابل بودند، شاعر و نویسنده ممتاز زبان دری میباشند، در رشته تعلیم و تربیه [تربیه] زبان از انگلستان ماستری دارند و زبان انگلیسی را بحیث [به حیث] زبان دوم در انگلستان تدریس کرده اند. علاوه [علاوتاً] در تصوف و مولانا شناسی مانند اوشان دانشمندی در منطقه ما وجود ندارد - بنظر [به نظر] من، کلمات و کناهی [کنایه] های تمسخر آمیز جناب استاد معروفی در مورد جناب استاد نگارگر دوران ادب و مروت است.

اکنون توجه جناب سدید صاحب را بمقاله [به مقاله] مورخ [مورخ] ۶ جون ۲۰۱۵ خود جلب مینمایم که در هر دو پورتال نشر شده و شکایات سدید صاحب نیز بعد از خواندن همان مقاله بالا شده است. من در مقدمه آن مقاله نوشته بودم که "" مسرت دست داد مستشعر شدم که پورتال وزین (آزاد افغانستان- افغانستان آزاد) در سال ۲۰۱۱ ابتکار تاسیس "کانون پرورش زبانهای افغانستان" و تدوین قاموس زبان دری را به همت دو دانشمند افغان (آقایان معروفی و سدید) روی دست گرفته بودند - متأسفانه ازین موضوع در وقتش مطلع نگردیدم، ورنه بحیث یک طالب العلم دبستان ادب خدمات خود را در زمینه عرضه میکردم... "" - نمیدانم آقای سدید چرا در سه مقاله [مقاله] پیهم گله و انتقاد کردند که چرا هاشمیان چهار سال قبل پای خود را در زمینه پیش نکرد؟؟؟ هاشمیان که بعد از اوایل سال ۲۰۱۰ با ارسال یک پیام تحریری با پورتال شما قطع علاقه کرده بود و علت آن این بود که در پورتال شما بذات [به ذات] اقدس خداوند متعال (جل جلاله) و پیغمبر مسلمانان (صعلم) دشنام و ناسزا نشر میشد، بعد از آن قطعاً [قطعاً] از اعلامیه پورتال شما خبر نشده است. از جانب دیگر، شما و اعضای پورتال تان هاشمیان را می شناختید و خبر داشتید که اونا شرومدیر مسئول [مسئول] مجله [مجله] آئینه [آئینه] افغانستان در کلفورنیا میباشد و این مجله ماهوار به زاید از ۳۰ مرجع در اروپا توزیع میشد، آقای سدید و همکاران پورتال شان چرا یک نقل اعلامیه خود را به مجله آئینه [آئینه] افغانستان ارسال نکردند؟؟؟ اربنجاست [ارنجاست] که می بینم جناب آقای سدید گله ها و انتقادها را در حالی تکرار مینمایند که شاید بعضی اوقات کله شلن [شان]

"به زیر ریگ" باشد و یا شاید تکلیف روحی داشته باشند که باید بفکر [به فکر] تداوی خود باشند !!!

نکته اخیر اینکه: در عنوان این مقاله از کلمه (پُر) بحیث [به حیث] قید کار گرفته شده، یعنی (بسیار نویس)، ودلیل آن اینست که جناب شما برای اینکه نظر و مقصد تانرا بطور [به طور] غیر مستقیم بجناب [به جناب] داکتر غلام انصاری برسانید یک اثر معروف (رابرانات تاگور) بعنوان [به عنوان] "باغبان" راکه مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک در سالهای اخیر حکومت استبدادی محمد هاشم خان ترجمه کرده بود در دو صفحه (وادامه دارد) بتاریخ [به تاریخ] ۲۵ جون نشر کردید. در آن دوره پُر اختناق در افغانستان، همانند دوره ای که مردم در هندوستان (کلیله دمنه) را نوشته بودند،

مرحومین پژواک، صدقی و کهزاد که بنام **[به نام]** و قلم خود نمیتوانستند مقالاتی بصد **[به ضد]** استبداد و دیکتاتوری **[دیکتاتوری]** وقت بنویسند، مقالاتی ازین قبیل را از زبان مشاهیر جهان ترجمه میکردند. متن "باغبان" برای مدتی در بین روشنفکران دست بدست **[به دست]** میگشت و بعدها منتشر گردید. جناب شما داکتر روان فرهادی رابحیث **[به حیث]** مترجم "باغبان" با کلمات ذیل معرفی کرده اید: "این کتاب زیبا و سنگین را آقای روان فرهادی، قراریکه خودشان در کتاب مزبور نوشته اند، از یک معلم هندی، فکر میکنم بنام **[به نام]** عبدالحمید، در دورانی که در مکتب حبیبیه بودند، گرفته و بعداً آنرا بزبان **[به زبان]** فارسی **[فارسی دری]** ترجمه کردند..." - تصور میکنم در گزارش شما "دقت" غیر حاضر بوده، زیرا: داکتر روان فرهادی از همصنفان من در مکتب استقلال بود، و مترجم این اثر مرحوم استاد (عبدالرحمن پژواک) میباشد.

مقصد از ذکر مطلب فوق دو چیز است: یکی اینکه درباره "دقت"، جناب محترم استاد معروفی صاحب نصایح بسیار سودمند به این طالب العلم گوشزد فرمودند که جناب شما هم به تعقیب استاد در آن باب سفارشات رقم فرموده بودید و من نصایح هردو دانشمند محترم را در نظر خواهم گرفت. در باب "دقت" از زبان مامورین **[مأمورین]** موسسید وزارت خارجه داستانی شنیده بودم که مرحوم سردار فیض محمدخان زکریا بعد از جلوس اعلحضرت **[اعلیحضرت]** محمدنادر شاه بسلطنت **[به سلطنت]**، بحیث **[به حیث]** وزیر خارجه مقرر شده بود و آن مرحوم هفته **[هفته]** یکروز مامورین **[مأمورین]** وزارت خارجه را "آداب و اطوار دیپلماسی **[دیپلوماسی]**" تدریس میکرد و بمسایلی **[به مسایلی]** ازین قبیل تماس میگرفت که مامورین **[مأمورین]** سفارتخانه های افغانستان در خارج باید همیشه دریشی و نکتایی بیوشند، و یخن پیراهن شان چرک نباشد، بلکه بهتر است هر روز پیراهن پاک و پتلون اتوکرده بیوشند، جرابها باید شستگی و بوتها باید پاک و پالش کرده باشند، و... و... و بهنگام **[به هنگام]** نان خوردن در دعوت ها آروغ (آروق) نزنید - راویان گفتند که تصادفاً **[تصادفاً]** در همین اثنا شخص وزیر صاحب یک آروق تولید کردند و آنگاه فرمودند: "اگر احیا نا **[احیاناً]** بشما **[به شما]** آروق رخ داد، مثل من ملایم تیرکنید..."

نکته دوم به ارتباط "دقت" همان خبریست که پیرامون وفات مرحوم عزیزالله واصفی در پورتال شما نشر شده بود. پورتال شما عکس بچه سقو و عکس واصفی را در بالانشر و به زیر آن نوشته بود که "بچه" "بچه سقو" وفات کرد." در خبر آمده بود که عزیزالله واصفی از زن محمدزائی بچه سقو موسوم به بینظیر تولد شده است، و در یک جای این خبر به ارتباط عکسها تبصره شده بود که ببینید پسر و پدر چقدر باهم شباهت دارند. من از روی همکاری، تصحیح آن خبر را به پورتال شما نوشتم و گفتم مرحوم عزیزالله واصفی بقوم **[به قوم]** الکوزی از پشتونهای قندهار و پسر عبدالرشیدخان و نواسه مولوی محمدسرور واصفی یکنن از مشاهیر قندهار است... خبرنگار شما در جواب تصحیح من، تقاضای (دی.ان.ای)، یعنی ثبوت وراثت از طریق معاینه خون را کرد. من جواب خبرنگار شما را بدو **[به دو]** دلیل ندادم: یکی اینکه من وکیل مدافع مرحوم عزیزالله واصفی نبودم و یک تصحیح را محض همکاری بشما **[به شما]** نوشته بودم، دیگر اینکه وقتی ذهنیت و جهان بینی خبرنگار پورتال شما را دیدم که عوض تشکر ازین تصحیح، در حالیکه واصفی و پدر اصلی اش و هم بچه سقو مرده اند، ولی خبرنگار شما تقاضای (دی.ان.ای) را دارد، سکوت را اختیار کردم. درینجا بارتباط **[به ارتباط]** "دقت" بارهم **[باز هم]** این نکته مطرح شده میتواند که متصدیان پورتال شما مرحوم عزیزالله واصفی رامیشناختند، ولی همین خبر جعلی و دروغین و اهانت آمیز را درباره یک پشتون متوفی نشر کردند و هم از موقف خبرنگار خود دفاع نمودند. آقای سدید، پورتال شما در برابر دین اسلام و پشتونها موقف مشهور و مشهود دارد.

مقصد دوم موضوع استعمال کلمه (پُر) بحیث **[به حیث]** قید است و خواستم توجه **[توجه]** جناب سدید صاحب را به فقره (پراختناق) در بالا جلب کنم که در آن نیز (پُر) ابحیث **[به حیث]** قید (بمعنی **[به معنی]** بسیار) استعمال شده، و این سه تصادف را بخاطری **[به خاطری]** خاطر نشان ساختم که شما به پشتیبانی از دوست تان درباره ترکیب "پُرگرم"

چیزهایی نوشته بودید، درحالیکه جناب استاد معروفی بخاطر [به خاطر] استفاده معقول و مناسب از ترکیب "پُرپُوک" در مقاله اخیرشان، بخاطری [به خاطری] مستحق جایزه "آفرین" میباشند که بمعنی [به معنی] این ترکیب نیز رسیده اند. به ارتباط ترکیبها وساختمانهای زبان، چونکه جناب سدید صاحب زبانشناس نمیباشند، یک مقوله علم زبانشناسی را بتوجه [به توجه] شان میرسانم که: هردری زبان استعداد تولید ترکیبات نو را درچوکات دستورزبان خود بطور [به طور] لایتناهی دارد و این کلیه [؟؟] در همه [همه] زبانها قابل تطبیق میباشد.

در باب پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) که هموطنان محترم همکاری مرا تقاضا کرده اند، من شیخ فانی شده ام و معاذیری دارم که آنرا بعرض [به عرض] خواهم رسانید. معهدا تا زنده باشم برای هر نوع خدمت فرهنگی در حدود توان و بدون خودنمایی و امتیاز، مضایقه نخواهم کرد. سلامها و تمنیات نیک مرا بپذیرید - با عرض احترام.

سیدخلیل الله هاشمیان - ۲۸ جون ۲۰۱۵

یادداشت:

- ۱- در نسخه اصلی ارسالی داکتر صاحب هاشمیان، تمام اعداد و ارقام به زبان انگلیسی است. به یقین خوانندگان عزیز پورتال می دانند که این امر نظر به قوانین املاء به مثابه اغلاط املائی به شمار می رود.
- ۲- از آن جایی که بحث و مضمون مقاله ارتباط می گیرد به مسأله ادبی- فرهنگی، ما به جای آن که به مانند سایر مقالات اشتباهات و اغلاط املائی را حین ویراستاری اصلاح نمائیم، مطالب را به همان شکل اصلی آن منتشر نموده ملاحظات خویش را جداگانه یادداشت نموده ایم.
- ۳- مطالب داخل علامت کروش یا قلاب [] با متن سرخ، اغلاط املائی داکتر صاحب هاشمیان اند.
- ۴- مطالب داخل علامت کروش یا قلاب [] با متن آبی، مطالبی اند که داکتر صاحب هاشمیان یا به اساس بی توجهی، سهل انگاری حین نقل از دیگران و یا هم به غرض تحریف نوشته آنها، در نوشته شان گنجانیده اند.
- ۵- "قاموس"ی که سرپرست تدوین آن حین نوشتن کمتر از ۵ صفحه، حدود ۱۰۰ غلطی املائی در نوشته اش داشته باشد، می تواند فقط دل بیسوادان و طماعانی را شاد نماید، که همه چیز برایشان حیثیت دکان و کاسبی را دارد.
- ۶- هر چند مطمئن نبودیم که آقای داکتر صاحب هاشمیان توان و ظرفیت فهم تفکیک یک نهاد ایدئولوژیک را از غیر آن داشته باشند، مگر امید بر آن داشتیم که تذکر فشرده ما تحت عنوان «فشرده پاسخی خدمت آقای داکتر "سیدخلیل الله هاشمیان"» بتواند ایشان را در درک مسأله یاری رساند، اینک و بعد از مطالعه مطالب تکراری شان، متوجه شدیم که در ارزیابی خویش دچار اشتباه شده و نمی بایست بدان «گیاه ضعیف» چنان «گمان»ی را می نمودیم. خوشبختانه چون قسمت های دیگر مطلب هنوز نگارش نیافته است، می توانیم به ایشان اطمینان دهیم که در آن زمینه نیز توضیح جداگانه و در خور فهم ایشان، تقدیم خواهیم نمود.

اداره پورتال AA-AA